



شهر کلاغ

سفرنامه‌ی مبارکه‌ی شاهنشاهی

مطفرالدین شاه قاجار

آیدین فرگی - عباس‌قلی صادقی

۹

۱۵

۴۲۷

۴۴۳

شرحی بر این کتاب

سفرنامه‌ی مارک‌ه‌ی شاهشاهی

عکس‌ها

کتاب‌نامه و نمایه‌ی افراد

سفرنامه‌ی مبارکه‌ی شاهنشاهی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام هدایی که هستی از اوست جهان را بلندی و پستی از اوست^۱
رور ییح‌تسه، دواردهم شهر دی‌الححه‌الحرام سه‌ی هرا و سیصد و هفده هجری، به
عزم مسافرت فریگستان که از مدتی بود تصمیم‌گیری می‌نموده بودیم، از
مقر سلطنت و دار‌الجلاوه‌ی طهران به صوب قریه‌ی کن^۲ که اول مرل است،
حرکت نمودیم اول صبح از حواب برحاسته، لباس یوشیدیم، بعد حضرت‌علیاً^۳
به حضور آمد، با او قدری صحبت کردیم، پس از آن، سایر حدام حرم و نوات
سلطنت^۴ همگی شرف‌یاب شدند چون رور بی‌ش به حباب اشرف صدر اعظم^۵
فرموده و قرار داده بودیم که چهار ساعت از دسته گذشته^۶ سوار شویم، لهذا تا سر

۱- مانند است به بت معروف نارخوانده‌سده به فرودسی

جهان را بلندی و نسی تویی ندانم حهای هرچه هسی بویی

(درباره‌ی بت نگرید به تذکره‌السعراء دولت‌سایه سمرقندی ص ۹۸)

۲- به آهنگ، به فصد به سمب، به سوی (ل دهجلا)

۳- دهی اسب قدیمی با ناع و مررع‌ی فراوان، از نفاظ حوس‌آب‌وهوای سلاقی بود و سکارگاه
ناصرالدین‌سایه امروز دورترین نقطه‌ی مسکونی شمال عرب بهران است حد عربی آن رودخانه‌ی
کن است و از سرق به سپهرک شهران محدود می‌سود (جعرفنای تاریخی بهران ص ۳۹۲)

۴- سوگلی با نفود مظفرالدین‌سایه نام اصلی‌س سرورالسلطبه بود در خانواده‌ی صاحب‌مصب به
دسا آمد همسر ععدی سایه و ربی ربک و نادراب بود که بواسط در اداره‌ی امور مملکتی و
تصمیم‌گیری‌های حکومتی مویر ناسد (فرهنگ‌نامه‌ی ربان ایران و جهان، ح ۱، ص ۵۴۳)

۵- نایب دحبران، ح بت (فرهنگ معاصر عربی - فارسی) نایب سلطنت سایه‌دح‌ب‌ها

۶- امن‌السلطان علی‌اصغر‌خان، اتانک اعظم او در نک سفر اروپایی ناصرالدین‌سایه و در دو سفر
اروپایی مظفرالدین‌سایه همراه ساهاان فاحار بود (ف / سحی)

۷- دسه همان کوک ساعت‌های حسی است که ممکی بوده روی عده‌های سه سس نا دواره
ناسد کوک ساعت مظفرالدین‌سایه روی ععد سس فرار داسه است و اس را از اساره‌های او در
حاهای معدد همس کباب می‌نواں در نایف ساعت چهار از دسه گذشته می‌سود ساعت ده

چهار ساعت تأمل کردیم، معلوم شد حساب اشرف صدراعظم به زیارت حضرت عبدالعظیم^۱ علیه‌السلام رفته بودند بیرون که آمدیم، در منزل معتمدالحرم، حساب اشرف صدراعظم مراجعت کرده، با جمعی از رجال دولت حاضر بودند حساب آقای بحریمی^۲، سَلَمَةُ اللهُ تَعَالَى^۳، و حساب میرزا کاظم آقا دعای سهر به گوش‌مان خواندند از آن‌ها نا عَوْنُ الهی سوار کالسگه^۴ شده، حرکت نمودیم به حیاناں امیری^۵ که داخل شدیم، از دو طرف حیاناں جمعیت زیادی از اُنات و دکور جمع بودند و اغلب از مسافرت ما محروم و مشغول دعا بودند حرن آن‌ها به ما هم خیلی اتر کرد و در قلب خودمان همه‌ی آن‌ها را به خدا سپرده، سلامت و حفظ همگی را از بد رورگار مسئلت نمودیم از شهر بیرون آمده تا نزدیک باغ شاه^۶ هم بار جمع کتیری از مردم در خاک‌ریز شهر و غیره ایستاده بودند قدری که از باغ شاه گذشتیم، سپه‌سالار^۷ نا صاحب‌مصعب‌های نظامی همه حاضر بودند،

۱- فسه و مبلغ سعی در سده‌ی سوم هجری از سار امام حس که در زمان معبر حلیعی عباسی، به ری آمد و در آن‌جا وفات یافت آرامگاهش از ربارنگاه‌های معروف ایران است (ف ف / اعلام) ناصرالدین‌ساح فاحار یک رور مانده به حس سجاهمسن سال سلطنس، برای ربارب نه مرار حضرت عبدالعظیم رفته بود که «صدای سب تاجه‌ی سکوب را سکست و گلوله‌ی مبررا رضا کرمانی، ساح قدرتمد فاحار را از نای درآورد» (ل دهجنا)

۲- سندعلی‌اکبر بحرینی، معروف نه سد بحرینی از روحناس و واعطان مسعد دستگاه مطفر - الدن‌ساح، در زمان ولایت‌عهده‌ی و هنگام سلطنت (حاندان‌های حکومت‌گرا، ص ۱۳۹)

۳- حداوند او را از آف بی‌گردد دارد دعانی که س از نام عالمان و محبهدان آند (ل دهجنا)

۴- ناری و مدد (ل دهجنا)

۵- صورب راجناس کالسکه است، اما برای حفظ بلفط بوسنده صوربی که در مس قدیمی آمده بود حفظ سد در سابر موارد سب همواره سابر حفظ بلفط نارحی واره‌ها بوده اسب.

۶- ابتدای آن در چهارراه سبه (امام حمسی) قرار داشت و رو نه حوب امتداد می‌نافت ناع و عمارت کامران‌مبررا فررند سوم ناصرالدن‌ساح، در سمب عربی آن واقع بود و از ابن‌رو، امبرنه نام گرف امروور حربی از حبان ولی‌عصر اسب (جعرفناسی نارحی بهران ص ۲۴۴)

۷- از سناهای دوره‌ی ناصرالدن‌ساح و نادگانی نظامی در آن دوره در حومه‌ی عربی تهران (د داس‌گسبر ح ۳ ص ۷۲۹)

۸- امبرجان سدرار، ساه‌راهه و حبه‌الله مبررا، وربر حنگ وف او نسسر برای باج‌گذاری امبرانور روسه، از طرف مطفرالدن‌ساح نه روسه سفر کرده بود (ف / سحن)

سست نه همه تفقد فرمودیم؛ بعد آمدیم نه سر صفوف افواح ابتدا افواحی که در شهر طهران مقیم هستند، ایستاده بودند، بعد توپچیان و افواحی که از برای اقامت اردو^۱ مقرر داشته بودیم، همه نا کمال نظم و ترتیب ایستاده بودند حقیقتاً سپه‌سالار حیلی حوب اردوی نظامی را تشکیل داده و افواح را مطم و مرتب داشته بود بعد از ملاحظه‌ی افواح آمدیم نه چادر سپه‌سالار در بردیکی آن‌ها شعاع - السلطنه^۲ آحاره حواسته، نه کن آمد ما در آن‌ها بیاده شده، صرف قهوه کردیم چون سپه‌سالار اردوی نظامی و افواح را حیلی حوب از نظر ما گذرانید و مُستحسب افتاد، لهدا محص اطهار مرحمت و حشودی خودمان، یک انصیه‌دان مرصع نه سپه‌سالار الثقات فرمودیم از آن‌ها حدام و اشحاصی را که نه بدرقه‌ی ما آمده و ملترم رکاب بودند، مرحص فرمودیم که نه شهر مراجعت نماید بعد سوار کالسگه شده نا مؤتق‌الدوله^۳ و مبررا انوالقاسم‌حان ناصرحاقان^۴ صحت‌کان رفتیم تا وارد قریه‌ی کن شدیم وربر دربار^۵ نه‌جهت بعضی کارها در شهر ماند که عصر نه کن بیاید بعد از ورود نه کن بهار حواسته و پس از صرف بهار مشغول نوشتن رورنامه‌ی سفر شدیم بعد قدری خوانیده، از حواب که برحاستیم بعد از ساعتی امین‌الحرم و معین‌الحرم نه حضور آمده عرض کردند که حرم از شهر آمده، وارد شدند ما رفتیم اندرون این عماراتی که در کن منزل کردیم حانه‌های

۱- مجموعه‌ی فسون و لوازم او در سفر؛ لسکر نادساهی (ل دهجنا)

۲- ملک‌مصور مبررا سماع‌السلطنه سبب دوم مطفرالدن‌ساح حدس سفر نه روسه رف قیل از ان‌که مطفرالدن‌ساح نه ارونا برود او نه سبب و ساحت در ارونا برداحب نس از مراجعت از ارونا بدر حود را نه انحام اس سفر نشوب کرد (حاندان‌های حکومت‌گرا، صص ۱۵۵-۱۵۶)

۳- معروور مبررا موبق‌الدوله از بوادگان و اعفان حسن‌علی مبررا سماع‌السلطنه در ۱۲۸۶ ق در دستگاه ولی‌عهد (مطفرالدن مبررا) داخل سد ۲ ۱۳ نه بطارب حاصه (حواسالاری) رسد

۱۳۱۳ نا مطفرالدن‌ساح نه بهران آمد و ۱۳۱۴ نه سمب حواسالاری معین سد سبب بررگس همسر افس‌السلطنه دحبر مطفرالدن‌ساح بود (سرح حال رجان ایران، ح ۵، صص ۲۹۴-۲۹۵)

۴- ساح او در نادداست ۲۳ صفر حرو عمله‌ی حلوب حود معرفی کرده اسب طق آن‌حه از مس سفرنامه برمی‌آند وی ناند نس‌خدمت حاصه‌ی شاه ناسد

۵- حکم‌الملک مبررا محمودحان، وربر دربار و برشک محصوص مطفرالدن‌ساح (ف / سحن)